

سوره نمل: مقایسه ترجمه‌های عبری یوزف ریولین و اوری روین

۴۰-۳۰

An-Naml Surah: A Comparison between Joseph Rivlin and Uri Rubin's Hebrew Translations

By: Heidar Eyvazi, Muṣṭafā Razzāqī, and Muhammād Ali Tabātabāeī

Abstract: The study of Hebrew translations of the Qur'an can contribute to the improvement of the level of the Qur'anic studies in the academic community of the country. It should be noted that among the Sami languages, Arabic and Hebrew have the most similarities. These two languages are very consistent at different levels such as phonemes, letters, building words, and syntactic rules. Therefore, Hebrew translators' finding equivalence for the Qur'anic words can develop the comparative studies of Sami languages. However, if studying the translations of the Qur'an is a one of the necessities, the Hebrew translations are taking priority over the other ones.

In the present article, two Hebrew translations of An-Naml Surah have been compared in terms of loyalty to the source text, equivalence finding, literary style: classic or modern, and some reflections. This surah includes several leads to intertextuality; however, since this topic has not been taken into account by either of the authors despite the large number of footnotes (only in this surah, and except Uri Rubin's translation, Āyah 82) the present paper's focus is not on comparing the content with Bible reports, but just on the linguistic issues. One of the innovative features of this research is that it has used Torah's usages in Hebrew equivalences, which will appeal to those interested in comparative linguistic studies.

Key words: Sami languages, Hebrew translations of the Qur'an, An-Naml Surah, Hebrew Torah, Joseph Rivlin, Uri Rubin.

سورة النمل: مقارنة ترجمي جوزيف ریولین وأوري روین

الخلاصة: يمكن لطالعة الترجم العبرية للقرآن الكريم أن تساهمن في رفع مستوى دراسات العلوم القرآنية في الأوساط العلمية في البلاد.

ويمكن الالتفات في البدء إلى أن أمتن الصالات وأشد التشابه بين أنواع اللغات السامية، هي تلك الموجودة بين اللغتين العربية والعبرية، حيث تتشابهان في مستويات اللغة المختلفة من الأصوات والمحروف وتراكيب الكلمات والقواعد الصرفية النحوية إلى حد التطابق في الكثير من الموارد، الأمر الذي يجعل من اختيار المترجمين العربين للمرادفات العبرية للمفردات القرآنية عاملاً يمكن أن يساهم في تطور الدراسات المقارنة للغات السامية.

وعلى أي حال، فإذا كان البحث في ترجمات القرآن واحداً من مستلزمات العملية التحقيقية، فإن الترجمات العبرية تحمل مكان الصدارة في سلم الأولويات.

والمقالة الحالية تبحث في ترجمتين عبريتين لسورة النمل من القرآن الكريم، وتقارن بين الترجمتين من أربع زوايا: الأمانة في نقل النص الأصلي، انتخاب المعادل، الأسلوب الأدبي بين التقليد والحداثة، وبعض التأملات.

وهذه السورة توفر العديد من الفرص المناسبة للدراسات في مجال العلاقات والتفاعلات بين النصيّة (Intertext), إلا أنه لما كان كلا المترجمين لم يعيرا هذه المسألة – باستثناء ما ذكره أوري روین ذيل الآية ۸۲ من هذه السورة – الكثير من اهتمامهما، وذلك على الرغم مما بذله من الجهد الواسع في كتابة الكثير من المهامش؛ فإن هذه المقالة لم ترتكز على المقارنة المضمونية مع عبارات الكتاب المقدس، بل ركزت جل اهتمامها على المباحث اللغوية.

ومن مظاهر الإبداع في بحوث هذه المقالة هو تأثير انعكاس الاستعمالات التوراتية في صياغة المعادلات والمرادفات العبرية، وهو الذي تأمل أن يحظى باستحسان وثناء المهتمين بالدراسات اللغوية المقارنة. المفردات الأساسية: اللغات السامية، الترجمات العبرية للقرآن، سورة النمل، التوراة العبرية، جوزيف ریولین، أوري روین.

حیدر عیوضی
پژوهشگاه قرآن و حدیث قم، پژوهشکده تفسیر اهل بیت

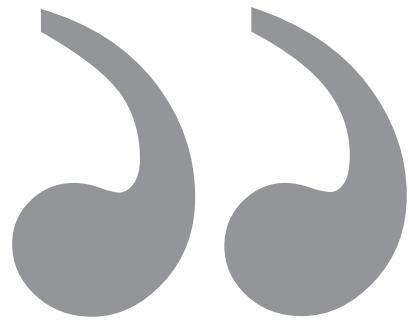
مصطفی رزاچی
دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق(ع)

محمدعلی طباطبائی
پژوهشگاه قرآن و حدیث قم، پژوهشکده تفسیر اهل بیت

چکیده: بررسی ترجمه‌های عبری قرآن می‌تواند در ارتقای سطح مطالعات علوم قرآنی در جامعه علمی کشور سهیم باشد. باید توجه داشت که در میان زبان‌های سامی، عربی و عبری از بیشترین پیوند و شباخت برخوردارند. این دودرستوح مختلف زبان، واج ها، حروف، ساختمان کلمات و قواعد صرفی- نحوی مطابقت فراوانی دارند. به این جهت، مسئله معادل گذاری مترجمان عبری برای واژگان قرآن می‌تواند به توسعه مطالعات تطبیقی زبان‌های سامی کمک کند. به هرروی، اگر بررسی ترجمه‌های قرآن جزء بایسته‌های پژوهشی باشند، ترجمه‌های عبری از اولویت بیشتری برخوردارند.

در مقاله پیش رو، دو ترجمة عبری از سوره نمل در چهار محوروفه‌داری به متن مبدأ، معادل‌گذاری، سیک ادبی: کلاسیک یا مدرن و پرخی تأملات، بررسی و مقایسه شده‌اند. این سوره متضمن سرنخ‌های متعددی برای مطالعات بینامنی (Intertextuality) نیز هست، اما از آنجایی که این موضوع با وجود پاورقی‌های فراوان هردو مترجم مورد توجه ایشان نبوده (البته در این سوره و به استثنای اوري روین تهنا ذیل آیه ۸۲)، به مقایسه محتوای با گزارش‌های کتاب مقدس اهتمام نشده است. بلکه تمرکز ما بیشتر بر مباحث زبان‌شناسی است. از ویرگی‌های نووارانه این پژوهش، انعکاس کاربردهای تواریخی در معادل‌گذاری‌های عبری است که برای علاقه‌مندان مطالعات زبان‌شناسی تطبیقی جذاب خواهد بود.

واژگان کلیدی: زبان‌های سامی، ترجمه‌های عبری قرآن، سوره نمل، تورات عبری، یوزف ریولین، اوري روین



اشاره

براساس اسناد موجود، ترجمهٔ بخش‌هایی از آیات قرآن از دیرباز مورد توجه عالمان یهودی بوده است. برگ‌هایی که دهه‌های اخیر از گنیه‌های مختلف کشف شده، نشان دهنده نمونه‌ای از این فعالیت‌هاست که عمدتاً شامل نگارش متن عربی قرآن با حروف عبری است. (Paudice, ۲۰۰۸) در کنار اینها، از قرن شانزدهم به این سوتلاش‌هایی برای ترجمهٔ قرآن به عبری از روی ترجمه‌های ایتالیایی، هلندی و ... صورت گرفته است. (Paudice, ۶۴۲-۲۰۱۳: ۳-۲۰) اما تا جایی که اطلاع داریم، تاکنون تنها پنج مترجم قرآن را به صورت کامل و رسمی از عربی به عبری ترجمه و منتشر کرده‌اند که به ترتیب تاریخی عبارتند از:

۱. هرمان رکندورف (Herrmann Reckendorf, ۱۸۷۵-۱۸۲۵) که ترجمه‌اش با عنوان آلمانی و عبری *אֱלֹקֶרֶן אֶת-מִקְרָא* / *Der Koran* در لایپزیک به سال ۱۸۵۷ م منتشر شد.

۲. یوزف یوئل ریولین (Joseph Joel Rivlin, ۱۸۸۹-۱۹۷۱) که ترجمهٔ خود را با عنوان *Al-Qur'an* / *The Holy Qur'an: The Great Book of Islam* در ۱۹۳۶ به سال در تل آویو منتشر کرد و در ۱۹۸۷ بازنشر یافت. در ادامه مقاله از او به ریولین یاد می‌شود.

۳. هارون بن شمش (Aharon Ben Shemesh, ۱۸۹۹-۱۸۶۷) که ترجمه‌اش با عنوان *הקדוש: ספר הגדלים של האישלאם* / *The Holy Qur'an: The Great Book of Islam* در ۱۹۷۱ به سال در تل آویو منتشر شد و در ۱۹۷۸ بازنشر یافت. بن شمش استاد رشته حقوق اسلامی در دانشگاه تل آویو بود.

۴. اوری رویین، اسلام‌شناس معاصر و استاد بازنشسته گروه زبان عربی و مطالعات اسلامی دانشگاه تل آویو است. علاوه بر آثار مستقل در حوزه مطالعات قرآن. تورات و حدیث، نگارش برخی از مدخل‌های دائرة المعارف قرآن (EQ) نیز به قلم اوست. ترجمهٔ عبری اواز قرآن به سال ۲۰۰۵ با عنوان *הָQur'an* / *The Qur'an* در ۲۰۱۶ با اعمال برخی اصلاحات بازچاپ شد. متأسفانه در نگارش این مقاله به نسخهٔ چاپ دوم دسترسی نداشتیم و مبنای بررسی‌های صورت گرفته همان چاپ نخست است.

۵. صحیح عدوی که ترجمه‌اش را با عنوان *הקוראן בלשון אחר* «قرآن به زبانی دیگر» در ۲۰۱۵ در فلسطین منتشر کرد. به نظرمی‌رسد عدوی تا امروز تنها مسلمانی است که اقدام به ترجمهٔ قرآن به زبان عربی کرده است. (Shivtiel, ۲۰۱۸, ۲۸۶)

مقاله حاضر به بررسی ترجمهٔ یوزف ریولین و اوری رویین از سورة نمل تمرکز دارد. مطالعهٔ این تحقیق نیازمند حداقل آشنایی با زبان عربی است، اما از آنجایی که هنوز مقدمات

فراگیری آن در سیاری از مراکز آموزشی فراهم نیست، ذکر چند نکته مقدماتی ضروری می‌نماید تا آن دسته از علاقه‌مندان به مطالعات قرآنی که تا کنون هیچ آشنایی با این زبان نداشتند، بتوانند با حداقل میزان آگاهی تا حدودی در جریان نتیجه این پژوهش قرار گیرند. به این ترتیب، ابتدا پس از درنگی در پیوند دو زبان عربی و عبری و توضیح برخی از اصطلاحات فنی، ادامه مقاله را با مقایسه دو ترجمه در چهار محور: ۱. وفاداری به متن مبدأ، ۲. معادل‌گذاری‌ها، ۳. زبان و سبک ادبی: کلاسیک / مدرن، ۴. برخی تأملات در ترجمه پی‌می‌گیریم.

پیوند عربی و عبری

زبان عربی دارای ۲۲ حرف صامت است که به ترتیب أبجد می‌باشند: أبجد، هوز، حطی، کلمن، سعفص، قرشت. خاستگاه حروف الفباء در زبان‌های سامی از جمله عربی و عبری به واسطه خط نبطی، خط فنیقی است. این خط از سوی دیگر خط یونانی رانیزبه وجود آورد که خود آفرینشده تمام خط‌های اروپایی شد. الفباء فنیقی در هزاره دوم پیش از میلاد متضمن ۲۲ حرف به ترتیب أبجد بوده و از راست به چپ نوشته می‌شد. این ترتیب حروف در زبان‌های سامی حفظ شده است. جدول ذیل، الفباء عربی - عبری را به ترتیب کهن آن، أبجد نشان می‌دهد:

ابجد هوز خط										Hebr.
ت	هـ	زـ	وـ	هـ	دـ	جـ	بـ	أـ		
Tet	Khet	Zayin	Vav	Heh	Dalet	Gimel	Bet	Alef		
ٰ	ٮ	ٰ	ٮ	ٰ	ٯ	٩	ٮ	ٰ	Translit.	
ط	حـ	زـ	وـ	هـ	دـ	جـ	بـ	أـ	Arabic	

ى کلمن س										Hebr.
هـ	*هـ	نـ	*مـ	مـ	لـ	*كـ	كـ	يـ		
Samekh	Nun	Nun	Mm	Mem	Lamed	khaf	Kaf	Yud		
سـ	n	n	m	M	l	kh	k	y	Translit.	
سـ	نـ	نـ	مـ	مـ	لـ	خـ	كـ	يـ	Arabic	

عفص قرشت										Hebr.
هـ	شـ	رـ	كـ	*كـ	لـ	*فـ	فـ	عـ		
Tav	Shin	Resh	Kuf	Tsadi	Tsadi	feh	Peh	Ayin		
تـ	شـ	رـ	كـ	تصـ	تصـ	فـ	فـ	عـ	Arabic	
تـ	شـ	رـ	كـ	تصـ	تصـ	فـ	فـ	عـ	Translit.	

* در جدول فوق، پنج حرفی که در خانه‌های رنگی نمایش داده شدند، شکل دیگر حروف قبلی‌اند که در انتهای کلمه به این صورت نوشته می‌شوند. در اصطلاح، این حروف **Sofit / סופית** نام دارند.

عربی حروف «ث، ض، غ، ظ، ذ» را اضافی دارد. درباره این چهار حرف و مطابقت آنها با دیگر حروف زبان‌های سامی از جمله عربی، در منابع زبان‌شناسی تطبیقی به تفصیل مباحثی می‌توان یافت. (ن.ک: Wright, 1890:ch 4)

برخی اصطلاحات فنی در ترجمه‌ها

الف) پاراشاه / pārāshāh / پاراشاه

اصطلاح پاراشاه به عنوان یکی از تقسیم‌بندی‌های شکلی تورات عربی، به بخشی از آیاتی که اتحاد مضمونی دارند

اشاره دارد. می‌توان گفت اصطلاح قرآنی «ركوع» معادل آن محسوب می‌شود. این تقسیم‌بندی واحد‌های متین پیش از آیه‌بندی و حتی فصل‌بندی دوره میانه، به شکل‌های متفاوت با پاراگراف‌بندی انجام می‌گرفته است. به همین دلیل، بخش‌بندی امروزی تا حدودی با آنچه در متون قمران یافته می‌شود، مطابقت دارد. کتابان تورات عبری برای اشاره به این بخش‌ها اصطلاح *פָּתַח* / *pātāḥ* همراه وضع کردند. (Tov, ٢٠٠: ٥٥) از دو مترجم عبری، یوزف ریولین برای کلمه «سوره» همان اصطلاح عبری «پاراشاه» را به کار برده، اما رویین از اصطلاح قرآنی سوره *كُلْمَةً* استفاده کرده است.

ب) פָּסָק / pās̄uq / پاسوچ

آنچه در سنت اسلامی در تقسیم‌بندی عبارات قرآن «آیه» گفته می‌شود، با وجود همه اختلاف‌هایی که در تعابیر عالمان مسلمان وجود دارد، (سیوطی، ج ۱، ص ۲۳۲) معادل آن در سنت یهودی راجع به کلمات تورات «پاسوق» نام دارد. برخلاف رویین، یوزف ریولین فراوان در پاورقی‌ها برای ارجاع به آیات مشابه از این اصطلاح عبری استفاده می‌کند.

ج) حازن / *ḥāzōn* / حازن

به معنای مکاشفه، وحی والهام (Gesenius: ۱۹۷۹: ۲۶۹). نخستین مترجمان عبری قرآن مانند هرمان رکندورف که ترجمه‌ای از سال ۱۸۷۵ در لایپزیک منتشر شده، به جای اصطلاح «سوره»، یا «پاسوق» در ترجمه‌ای ریولین، از کلمه *חָזְן* / *hazôn* استفاده کده است. (Reckendorf: ۱۸۵۷)

مقایسهٔ دو ترجمہ

کلمه «نمل» از واژگان مشترک سامی است. معادل عبری آن نَمَّلَه / nemālāh که به صورت نَمَّلِيم / nemālim جمع بسته می‌شود. هردو شکل آن در تورات آمده است. (امثال ۶: ۲۵؛ ۳: ۶) به این ترتیب در نام‌گذاری سوره surah hanemālim ریولین از ترکیب پرشت הנמלים / pārāšat hanemālim و رویین از סورة הנמלים / hanemālim استفاده کرده است.

تمام کلمات آیه بسم الله جزء واژگان مشترک عربی- عبری است و به جزاندگ تفاوتی در برخی از ازواج‌ها، تلفظ نزدیک به هم دارند. به این ترتیب هردو مترجم چنین آورده‌اند:

בְּשָׁם אֱלֹהִים הַרְחָמֵן וְהַרְחוֹם

b^ešem 'elōhim hārahmān wehārahūm

«ب» دومین حرف از الفبای سامی؛ قرآن و تورات با این حرف آغاز می‌شوند: «بِسْمُ اللَّهِ»، «درابتدا بِرَآشَیْت / خداوند آسمان‌ها و زمین را آفرید». (پیدایش ۱:۱) «شَمْ» و معادل عربی آن «اسم» به معنای «نام»؛ در میان قاموس‌نگاران عربی، دو مکتب کوفه و بصره همواره برمنشأ استقاق آن از «سم» یا «سمو» اختلاف داشته‌اند، (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۹، ص ۵۳۸) اما امروزه به یمن مطالعات زبانشناسی تاریخی می‌دانیم اصرار بریافتن یا جعل ریشه‌های سه حرفی برای تمامی کلمات نادرست است، بلکه بسیاری از آنها ریشه‌های دو حرفی داشته‌اند؛ از جمله در واژهٔ موضوع بحث که در اکدی و فینیقی šm بوده است. (LVTL, 1958, v. I, p. 983; BDB, 1996, p. 1027) واژهٔ الوهیم جمع تشریفی ۶/۱۶ به معنای «خدا» است و از جمله اسامی پرکاربرد خداوند در تورات است. (پیدایش ۱:۲۷) البته این نام فراوان برای اشاره به فرشتگان و خدایان غیرنیز به کاررفته است. (خروج ۱۸:۱۱؛ ایوب ۶:۱) در نهایت، ترکیب «بِشَمِ الوهِيْم» یک یار در تورات به کاررفته است:

اما نبی ای که ... به اسم خدایان غیر بـشـم آلهـیـم آـخـرـیـم / bešem 'elōhim 'ahērîm

سخن گوید، آن نبی، البته کشته شود. (تشنیه ۱۸: ۲۰)

کلمه رحمان در تورات به عنوان اسم یا صفت خدا به کار نرفته است، اما ترکیب **amar rahmānā** / 'āmar rahmānā به معنای «رحمان فرمود ...» در تلمود به چشم می‌خورد؛ (Mischna Berura, ۱۶۷: ۵۱) همین طور در کتاب‌های دعا (سیدور) فراون خداوند با این نام خوانده شده است:

[خدای] رحمان **הָרָהָםָן** / hārahāmān، او بر کرسی جلال خدایی اش تسبیح می‌شود.

رحمان، او در آسمان‌ها و زمین تسبیح می‌شود.

رحمان، او توسط ما نسل به نسل تسبیح می‌شود.

رحمان، او صلح و سلامتی بین ما برقرار سازد.

رحمان، او دست سخاوت خویش را بر ما بگستراند؛ [برای اول ماه:] رحمان، او این ماه را برای ما به خوبی و با برکت تجدید گرداند. (سیدور یشاریم، حمامی لاله‌زار (متترجم)، ۲۴۴: ۱۳۸۲)

اما کلمه «رحیم» به عنوان یکی از اوصاف خداوند در تنخ به کار رفته است:

خدای شما مهربان رحیم است **כְּחִנּוּן וְחִנּוּם, יְהֹה אֱלֹהִים** / kî hanûn weraḥûm

(YHWH 'elōheikhem). (دوم تواریخ ۹: ۳۰)

ناگفته نماند در دوره میانه مفسران اسلامی نیز با این معادل عبری برای آیه بسلمه آشنا بوده‌اند. زمخشری به تناسب بحث مطابقت برخی اسامی عربی و عبری گفته است:

کما وافق حنطا حنطة، وبشمالاً لها رخمانا رخیما، بسم الله الرحمن الرحيم. (زمخشری، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۲۹۲)

این سخن زمخشری با برخی تصحیف‌ها به تفاسیر متاخر نیز راه یافته است. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱، ص ۱۸۴-۱۸۵؛ ابن عرفه، ۲۰۰۸: ج ۱، ص ۲۹۷) اکنون ادame مقاله را با مقایسه ترجمة متن سوره در محورهای چهارگانه پی می‌گیریم.

۱. وفاداری به متن مبدأ

همان طور که گفته آمد، شباهت‌های عبری و عربی خیلی فراتراز وجود صرفاً چند واژه مشترک است، بلکه در همه سطوح زبان سطح بالایی از همانندی‌ها را دارند. از این‌رو، برخی از مترجمان در معادل‌گذاری هایشان تا جایی که امکان دارد از واژگان و ریشه‌های فعلی مشترک استفاده می‌کنند. در مقابل، برخی دیگر صرفاً به انتقال مفهوم می‌اندیشنند و این موضوع اولویتی برای ایشان ندارد. به این ترتیب، منظور از «میزان وفاداری به متن مبدأ» میزان رعایت و حفظ این شباهت در ترجمه است.

آیه ۳: «الَّذِينَ يُقْيِمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الرِّكَأَةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقْنَوْنَ»

در ترجمة ریولین به سبب وسوس در رعایت سبک قرآن بین فعل «يقیمون» و «الصلوة» هیچ حرف اضافه‌ای نیست، اما رویین حرف اضافه **et** / et به معنی «را» اضافه کرده است. ریولین تا جایی که امکان دارد در معادل‌گذاری واژگان از کلمات هم ریشه استفاده می‌کند تا ترجمه به متن مبدأ نزدیک باشد؛ از جمله در این آیه واژه «آخرة» را به **آخریة / aharit** «آخریت» ترجمه کرده است، اما رویین ترجیح می‌دهد مفهوم را برگیرد و آن را با اصطلاح مستقل زبان مقصود بیان کند. به همین دلیل او تعبیر **הַעֲלָם הַבָּא / hā'olām habā** «هاعولام هبا» را به معنای تحت الفظی «دنیایی که می‌آید» و در اصطلاح به معنای «آخرت» برمی‌گزیند. این معادل‌گذاری در آیه پنجم نیز به این سان تکرار شده است.

آیه ۲۱: «لَا عَدْبَنَةَ عَدَابًا شَدِيدًا ...»

برخلاف رویین، ریولین برای «لَا عَدْبَنَةَ عَدَابًا» به صورت مضاعف از یک ریشه استفاده کرده است: **עֲנָשָׂנָה**. این سبک ادبی در قرآن و تورات بسیار رایج است: «وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»، (احزاب / ۲۳) «وَرَّقُلُ الْقُرْآن تَرْتِيلًا»؛ (مزمل /

۴ مقایسه شود با عاموس ۵: «اما جلجال البته به اسیری خواهد رفت»^۱ כי הַגְּלָל גָּלוֹה יִגְּלֶה / gālō yīglēh

آیه ۲۸: «... فَانظُرْ مَاذَا يَرِجُونَ»

هر چند ادات «ما»ی استفهامی و ضمیر اشاره «ذا» هریک به صورت مجزا در عبری و عربی حضور دارد، ترکیب «ماذا» تنها در عربی به کار می رود. ریولین با برگردان آن به صورت $z^{\text{th}} / h - z^{\text{th}}$ mah تلاش کرده است تا در ضمن واژه سازی، وفاداری خود به متن مبدأ راحتی در ادات استفهام نیز حفظ کند.

آیہ ۴۱: «قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا»

در ترجمه «نگرو» ریولین مطابق همان اصل ترجیح ریشه‌های مشترک سامی، از ریشه **NKR** / **NKR** استفاده کرده است. این ریشه در عبری و به عنوان در تورات حوزه معنایی گستردۀ والبته متضادی دارد. (**Gesenius**, ۱۹۷۹: ۵۱۵) در سفرپیدایش دو معنای «شناختن، تصدیق کردن» و «ناشناس جلوه‌دادن» کنار هم به کار رفته است:

یوسف برادران خود را شناخت **لְכַרְם** / wayyakrēm /، و چنین وانمود که با ایشان بیگانه است **וְיִנְפֶּרֶת אֲלֵיכֶם** / wayyītnakēr 'alēyhem / (بیدایش: ٤٢)

اما رویین ۷۱۵haswû به معنای «پنهان کردن، مستور داشتن» را ترجیح داده است. به هر روی، «نگروا» در آیه به معنای «ناشناس جلوه دادن» و نوعی از «پنهان کردن» نیز در آن نهفته است.

٨٨: «وَتَرَى الْجَبَالَ تَحْسِبُهَا جَامِدًا وَهِيَ تَمُرُّ مِنَ السَّحَابِ ...»

ریشهٔ فعلی «رأى» و معادل عبری آن **הִנֵּה** / **H** به معنای «دیدن» از ریشه‌های مشترک سامی است. هر دو مترجم همین معادل را برگزیده‌اند، اما رویلین به تبعیت از متن مبدأ در ترجمة «وَتَرَى» از فعل معلوم استفاده کرده: **רָאָית** / **ita**, wara، اما رویین ساختار مجھول آن را ترجیح داده است که از قضا در زبان مقصد جالب ترمی نماید؛ چه اینکه در این صورت قوهٔ خیال خواننده را آزاد و فعل می‌کند: **הָרִים יִירְאָו לֹךְ** / **hehārim year'u lekhā** یعنی: «کوه‌ها به نظر توچنین می‌رسند که گویی بر جای خود منجذبند». این ابتکار رویین در استفاده از فعل مجھول به جای معلوم در آیات دیگر نیز به فا خربودن ترجمه‌اش کمک کرده است.

۲. معادلگذاری‌ها

برخلاف بخش پیشین که میزان پاییندی و حفظ قدر مشترک عربی و عبری مطرح بود، در اینجا صرفاً معادل‌گذاری‌های مترجمان به طورکلی بررسی خواهد شد.

آیہ ۱: طس

اولین اختلاف دو مترجم در معادل‌گذاری حروف مقطوعه آغازین سوره به چشم می‌خورد. رویین برای حرف «سین» در «طس» به درستی از حرف سامخ ۱۵ استفاده کرده است، در مقابل، ریولین حرف لّ را به کار برده است. هر چند در ظاهر این حرف به «سین» عربی شیبیه ترمی نماید و با قرار گرفتن یک نقطه (Sin Dot) در سمت چپ /s/ تلفظ می‌شود، اما آنچه در ترتیب ابجده در مقابل «سین» عربی قرار دارد، حرف سامخ است. علاوه بر این، جداسازی حروف مقطوعه از ادامه آیه در ترجمه رویین به صورت ذیل نشان دهنده دقت نظری در نشان دادن استقلال این حروف است:

^۱ دقت کنید که در متن عربی میان جملجلا و فعل اسارت هم جناس لفظی وجود دارد که بمعنی ترجمه فارسی مشهود نیست، اما در ترجمه عربی، با توجه به قریب ساختاری عربی و عربی، انعکاس این صفت ادبی ممکن است. به این جهت بولس الفعالی و انطوان عوکر، آن جناس را به این شکل بازسازی کردند: «أَنْجَسَهُمْ أَنْجَسَهُمْ» (الخطاب)، آنچه این موضعیت است: «أَنْجَسَهُمْ أَنْجَسَهُمْ» (آنچه این موضعیت است).

.۱.۵.۱.

الله اوتواتو شل هکران...

در مقابل، ریولین شماره‌گذاری آیات را بعد از حروف مقطعه شروع کرده است. گویی وی حروف مقطعه «طس» را جزء شماره آیه محسوب نمی‌کند؛ چه اینکه شیوه گوستاو فلوگل (Gustav Flügel، ۱۸۷۰-۱۸۰۲) در شماره‌گذاری آیات از چند دهه قبل (۱۸۳۴) از طرف عموم پذیرفته شده بود.

همین طور سامانه شماره‌گذاری آیات در دو ترجمه نیز متفاوت است، درحالی‌که ریولین مطابق سبک نگارش تورات از حروف ابجد (به صورت کوچک شده در بالای سطر) بهره گرفته، رویین از عدد استفاده کرده است. ریولین پایان عبارات را نیز به تأسی از تورات با دونقطه نشان داده و رویین همسو با متون معاصر شیوه ویرگول و نقطه را برگزیده است.

آیه ۱۱: «فَإِنَّى غَفُورٌ رَّحِيمٌ»

رویین در ترجمه بخش پایانی آیه از عبارت רְחוּם אֱנוֹכִי / rāḥûm 'anûkhî «راحوم انوخی» استفاده کرده که به آهنگین بودن ترجمه و در نتیجه محبوبیت آن کمک کرده است.

آیه ۱۵: «وَلَقَدْ أَتَيْنَا دَائِرَوْدَ وَسُلَيْمانَ عِلْمًا

برای فعل «آتینا» رویین از ریشه נחל / NHL به معنای «به ملکیت و تصرف کسی درآوردن» استفاده کرده که تعبیر فاخر و جالبی است. (הנֶּחֶלְנוּ) از کاربردهای توراتی آن:

آن سرزمین را به میراث بری **וְנַחֲלַת אָתָּה-הָאָרֶץ** / w^wnâḥaltâ 'et hā'ārets / (خروح ۳۰:۲۳، اشعیا ۳۲:۱۳؛ ۵۷:۱۳)

و در ساختار استعاری:

تصدیق‌های توراتی به ابد میراث خود ساخته‌ام؛ زیرا که آنها شادمانی دل من است. (مزامیر ۱۱۹:۱۱)

(۱۱۱)

در مقابل ریولین فعل متداول **נתן** / NTN را به معنای «دادن، بخشیدن» به کار برد است.

آیه ۲۱: «بِسْلَطَانٍ مَبِينٍ؛ دَلِيلٌ روشنٌ»

رویین ظاهراً به عنوان یک قاعده همه جا «مبین» را ب**bārûr** / bârûr ترجمه کرده است و این انتخاب رویین تحسین برانگیز است. از معانی آن در تورات «پاک، روشن» است. (ایوب ۳:۳۳) ریولین در سراسر این سوره برای «مبین» معادل **גָלוּי** / gâlûy «آشکار، معلوم» را قرار داده، جز در آیه ۷۵ که کلمه **bārûr** / bârûr را ترجیح داده. شاید او به این نتیجه رسیده که این معادل بهتر است.

آیه ۳۲: «أَفْتُونِي فِي اْمْرِي؛ دَرْ كَارْمَ بِهِ مِنْ نَظَرِ دَهِيدَ»

رویین در ترجمه این عبارت از ترکیب زیبای **פְּאֵירְוָאַת עִינֵּי** / aīrō aṭt̄ūnâi / et 'aīnaī به معنای تحت الفظی «چشم مرا روشن کنید» استفاده می‌کند. این ترکیب در اصطلاح به معنای «روشن کردن ذهن و ضمیر کسی، آگاه ساختن کسی» است.

آیه ۴۰: «فَإِنَّ رَبِّيْ غَنِيْ كَرِيمٌ»

رویین واژه «غنى» را به **בְּلִתְעִילִي** / bilt̄ū tâlûi به معنای «غیروابسته» ترجمه کرده، اما ریولین از کلمه **עִשְׂרִיר** / aš̄ir به معنای «غنى، دولتمند» استفاده کرده که باز هم به متن اصلی وفادارتر است.

آیه ۴۶: «لَوْلَا شَسْتَغْفُرُونَ اللَّهَ»

ریولین برای «استغفار» در آیه از مشتقات ریشه PLL که یکی از معانی آن «دعا کردن» است، استفاده کرده است. مشتقات این ریشه در تورات نیز با حرف اضافه ئل / el / بیشتر در همان معنای دعا و تضرع به درگاه خدا به کار رفته است، (اول سموئیل ۱: ۲۷؛ مزمیر ۵: ۳؛ ۱۹۷۹: ۶۷۶-Gesenius، ۱۹۷۷-۶۷۷) اما رویین از مشتقات BQS / قش به معنای «استغفار، تضرع و خواهش کردن» و مدع۲۸ لآ تبکشو استفاده کرده که استوارتر است. این فعل معمولاً با حرف اضافه ئا / et / «مر، به، نزد [خدا، یهوه]» همراه است:

پس داود به جهت طفل نزد خداوند استغفار نمود **וַיַּקְרַשׁ** ذود آت - **הָאֱלֹהִים**, **בְּעֵד** **הַגָּעָר**, روزه گرفت و تمامی شب بر روی زمین خوابید. (اول سموئیل ۱۶: ۱۲)

آیه ۵۲: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِيَّةٌ لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»

رویین برای «إن في ذلك» از تعبیر بسیار جالب **בָּזָאת** **צָפָן** / zot tsāfun به معنای «چنین نهفته / رمزگذاری شده است ...» استفاده کرده است. همین طور استفاده رویین از ترکیب **בְּנֵי** **צָעַת** / benei da'at (اصحاب دانش) به صورت اضافه برای «لقوم يعلمون»، نسبت به **לְעָם** **יְדָעָו** / u' yād am le به معنای «قومی که می دانند» ادبی تراست.

آیه ۵۵: «بْلَ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ»

رویین برای «انتم قوم تجهلون» از اصطلاح جالب و به روز **לְבָעָרִים** **אֶתְמָמָה** **מִדְעָת** / atem' arīm niv' at (شما از دانش دور هستید) استفاده کرده است. ریشه **כָּעָר** / R' B به معنای «سوزاندن، روشن کردن و مشتعل شدن» است، اما در باب مجھول ساز نیفععل (**נְפָעָל**) به معنای «دور قرار گرفتن از [دانش = **מִדְעָת** / در ترجمه]» است. از همین ریشه صفت **כָּעָר** / ar' ba به معنای «وحشی، نادان و ابله» نیز ساخته می شود.

آیه ۸۸: «إِنَّهُ خَيْرٌ مَا تَعْلَمُونَ»

رویین به گونه ای ابتکاری در ترجمه «خبری» از اصطلاح عبری **לְפָנֵי** **וּלְפָנִים** / lifnai lifnim به معنای «داخلی ترین و مقدس ترین مکان در معبد» استفاده کرده است. (Yoma, ۶۱a) احتملاً هدف مترجم این بوده که خدا از درونی ترین قسمت قلب آدمیان آگاه است.

۳. زبان و سبک ادبی: کلاسیک / مدرن

آیه ۳: «وَيُؤْتُونَ الرَّكَاهَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقَنُونَ»

استفاده ریولین از «واو قلب» در ترجمة «ویؤتون الرکاه»؛ یعنی «واو» به همراه شکل ماضی **וַתְּנוּ** / ve nātnū که زمان فعل را تغییر می دهد («واو» قبل از فعل مضارع معنی ماضی می دهد و بالعکس) شاهد کاملاً آشکاری بر تأکید مترجم در استفاده از سبک کلاسیک است.

در ترجمه «یوقنون» ریولین از ریشه **בְּתָחַ** / bātah به معنای «اطمینان داشتن» استفاده می کند، اما رویین کلمه امروزین **הַמְשׁוֹכְנָעִים** «مشوختن ایم» را ترجیح داده است. این واژه صورت مجھول باب پیغآل از ریشه **צְהָרָה** چهار حرفی **תְּלָלָا** به معنای «باور قلبی پیدا کردن، متقادع شدن» است. در عربی مدرن گاهی با افزودن حرف **ث** / ḏ به ریشه، کلمه جدید ساخته می شود که تغییر ظرفی در معنی ایجاد می کند. در واژه **مُرَدِّبُحَثٍ** **تَلَلَّا** به معنای «تسليم و خضوع فیزیکی و خم شدن در برابر کسی» است، اما با افزودن **ث** / ḏ به صورت **تَلَلَّا** «باور قلبی و تسليم شدن از

۲. به نظر می رسد عبارت ترجمه قدیم در این بخش به صورت «پس داود از خدا برای طفل استدعا نمود» گویا نیست؛ چه اینکه مطابق گزارش کتاب اول سموئیل مرگ طفلی که ازو سخن به میان آمده است، مجازاتی برای خطای داود بود و پیش تر ناتان نبی پیشگویی کرده بود که خداوند به همین مقدار مجازات اکتفا خواهد کرد. (۱۲: ۱۳-۱۴) به این ترتیب، داود وقتی خبر مرگ کودک را شنید، برای خود لب به استغفار گشود و تعبیر «برای طفل استدعا نمود» رسانیست.

درون» است. نمونه‌های دیگر:

ڪٽاب / kātab = **كتاب**، در عربی [«نوشتن»] ← **شכתב** «نوشتن به قصد تحریف»

דָּרָג / dārag «דרגה/بندي، رتبه/بندي» ← **שְׁדֶּג** «به روزرسانی».

آیہ ۱۹: «فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا»

روایین در ترجمه «من قولها» از یک تعبیر ادبی استفاده کرده است: **لِشْمَا / لِشْمَعَا** (از شنیدن); پیشتر در عهد عتیق کاربردهای آن را می‌بینیم. از جمله در سفرایوب می‌بینیم: «گوشم صدای تورا می‌شنود، اکنون چشمان من تو را می‌بیند» (۴۲: ۵) که از تزم آمیزترین بخش‌های این کتاب است.

آیه ۳۰: «إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ»

نمونه زبان امروزی ترجمه‌ای روبیسن را در ترجمه‌ایه فوق می‌توان دید. در ترجمه «وَإِنَّهُ» برای بیان روشن مطلب عبارت ۶۶ لشون / به معنای «مت؛ و نص آن جنس است»، اضافه ممکن است.

آلہ ۳۱: «اَلَا تَعْلَمُوا عَلَيْهِ وَأَتُؤْنِي مُسْلِمٌ؟» پر من بیزگم، مکنند و ما از در اطاعت داریم۔

در این آیه نیز ترجمهٔ ریولین کاملاً واژه به واژه و ساده است؛ حتی در معادل‌گذاری حروف اضافه علیّ / لعلیّ، اما رویین از سبک کامل‌آدابی استفاده می‌کند که به خودی خود بlagت دارد؛ به طور خاص ترکیبی که در ترجمهٔ «أَلَّا تَعْلُوْ عَلَيْ» به کارسته: **أَلْ تَمْرُدُونِي / bî al timrōdū** در تناظر با عبارت توراتی «لیک از خداوند متمرد مشوید **אֲךָ בִּיהּוֹ, אֲלַתְּמֶרְדוֹן / akh ba-YHWH 'al timrōdū**» (اعداد ۹:۱۴) است. هرچند ریشهٔ م ۶۶ MRD به معنای «شورش و تممرد» با «لا تعلوا» به لحاظ لفظی متفاوت است، اما به لحاظ معنایی کاملاً مناسب به نظر می‌رسد.

آیه ۳۴ : «وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ»

همانند آیه سابق در اینجا نیز بولین برای «کذلک» از معادل عبری که در زبان‌های سامی مشترک است **כזאת** / kazōt استفاده می‌کند و برای فعل «يفعلون» فعل متداول واولیه **עשה** / asāh، قرار می‌دهد، اما معادل‌گذاری رویین در این مورد نیز کاملاً ادبی و تحسین‌برانگیز است: **כִּי דָרְכֵם לְעַשׂוֹת** / kākh darkhem la'asōt.

وَمُعَاوِفَةٌ بِمَا هُنَّ عَلَيْهِ مُؤْمِنُونَ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُؤْمِنِينَ (سُكُونٌ ٤)

۳۹: «إِنَّ عَلَيْهِ لَقَمْعٌ أَمْ؟» وَابْنُ [كَارَ] سُخْتَ تَهَا نَا وَمُوَدَّعْ اعْتِمَادْ»

ریولین برای «وَإِنَّى عَلَيْهِ» از اصطلاح کلاسیک پُش-لِلِّا^{۶۶} / *yeš le' el yādī* به معنای «این قدرت رامن دارم» استفاده کرده است. هر چند معنای متبادر از کلمه ^{۶۷} / *el* «خدا»ست، اما از دیگر معانی آن «قدرت، توانایی» نیز است. موادی از کارددهای تقدیم، آن در ساختار مشت و منفی، جنب است:

من این توان را دارم که شما را اذیت کنم یش-لְאָל יְדִי / yeš le'el yādī (پیداپیش ۳۱: ۲۹).

احسان را از اهلهش، باز مدار، هنگامی که بحا آوردنش، در قوت دست توست. (امثال ۳: ۲۷)

(BDB, ۱۹۹۶: p. ۴۳)، (نحاما: ۵؛ ۳۲: ۲۸)، (تشنه

آية ٦١: «أَمْنٌ جِعْلٌ الْأَرْضُ...»

ریولین همواره در ترجمه «جعل» از ترکیب کلاسیک *نَشَّأَتْ* / *šāt et* که احتمالاً برای خواننده امروزین عربی دشوار می نماید، استفاده می کند. مشتقات ریشه فعلی *نَشَّأَتْ* / *šāt* به معنای «قراردادن» با حرف اضافه *أَتْ* / *et* فراوان در تورات عربی به کار رفته است:

سرحدات تورا از ... قرار خواهم داد. (خروج ۳۱: ۲۳؛ ارمیا ۵: ۳۹)

در مقابل رویین برای جعل از فعل متداول و پرکاربرد *عَشَّاه* / *āsāh*، به معنای «انجام دادن» استفاده کرده است.

۴. برخی تأملات در ترجمه

باید توجه داشت که هردو ترجمه عالمانه و دقیق‌اند و در حد مطلوب وفاداری به متن رعایت شده است. با وجود این، به نظرمی‌رسد در دو جا سهوهایی صورت گرفته است. در این میان، مورد دوم تأمل برانگیز است.

آیه ۶: «وَإِنَّكَ لَتَلَقَّى الْقُرْآنَ»

ریولین برای ترجمة «تلقی» از ریشه فعلی *بָא* / *bā* به معنای «آمدن» *וְאַכְן הַבָּא אֶלְيָה הַקָּרָآن* / *we'ākhen* *hūbā* *eleīkhā haqurān* *شָׁלֹוח אֶלְיָה* / *haqurān shaoh̄i eleīkhā* استفاده کرده است. هردو مترجم گویا «تلقی» را با «القا» یکی گرفته‌اند؛ حال آنکه منظور این است: «تو قرآن را دریافت می‌داری». به نظرمی‌رسد دست‌کم عبارت رایج *אֲתָה מִקְבֵּל* / *atāh mīqabbel* «تودریافت می‌کنی» می‌توانست استوارتر باشد.

آیه ۶۲: «وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ؛ وَشَمَا رَا جَانِشِينَ أَيْنَ زَمِينَ قَرَارَ مِيْدَهْ»

به نظرمی‌رسد در ترجمة ریولین اشتباہی فاحش رخ داده است. وی «خلفاء» به معنای «جانشین» را به *תַּחַת* / *tahat* به معنای «زیر، پایین، زیردست» ترجمه کرده است: *וַיַּקְם אַתְּכֶם תַּחַת* (*עַמִּים אַחֲרִים*) *בָּאָרֶץ* / *wayaqem amim ahrim* (*etkhem tahat*) *امیم اهریم* (*amim ahrim*) عربی *وَرْث* / *yôrêš* به معنای «وارث» استفاده می‌کرد. در مقابل رویین با استفاده از ریشه سامی مشترک «خلف» و در شکل عربی آن *حَلْفٌ* / *HLF* به معنای «جانشین چیزی شدن» سعی کرده است معنای آیه را حفظ کند: *.wayaqimkhem kemaḥalifim*

به هر روی، موارد نادر این چنینی نمی‌توانند دیگر امتیازهای این ترجمه را تحت الشعاع قرار دهند.

نتیجه

از ویژگی‌های ریولین ارجاعات متعدد و پی‌درپی به مشابهت‌های ساختاری آیات قرآن و آدرس دهی به آیات مشابه در پاورقی‌هاست و حکایت از این دارند که ریولین توجه به متن قرآن را بسیار ضروری می‌دانسته است، مانند پاورقی شماره سوم که به جابجایی واژه‌های «قرآن» و «کتاب» در آیه‌ای دیگر اشاره می‌کند:

طس تلک آیات القرآن و کتاب مبین. (نمل ۱/۱)

الرتلک آیات الكتاب و قرآن مبین. (حجر ۱/۱)

این ویژگی در ترجمة رویین نسبتاً محدودتر است. در مقابل بخش مهمی از پاورقی‌های رویین به ارجاعات کتاب مقدسی اختصاص یافته است. این مسئله در سراسر سورة نمل تنها یک بار اتفاق افتاده (ذیل آیه ۸۲) معروف به آیه *دَابَّةَ الْأَرْضِ* → «وَچون شهادت خود را به اتمام رسانند، آن وحش که از هاویه برمی‌آید، با ایشان جنگ کرده، غلبه خواهد یافت و ایشان را خواهد کشته»، (یوحنا ۱۱: ۷) اما به طورکلی ارجاعات او به عهد قدیم و عهد جدید نسبت به ریولین خیلی زیاد است. به این جهت ترجمة اوری رویین متضمن سرنخ‌های پژوهشی فراوانی برای علاقمندان به مطالعات بینامنی است.

راجح به محور اول می‌توان ملاحظه کرد که ریولین نسبت به رویین تمایل بیشتری به استفاده از واژگان مشترک میان عربی و عربی داشت. این ویژگی ترجمة ریولین ما را به وجود حجم انبوهی از مشترکات عربی-عربی توجه می‌دهد که به نوبه خود می‌تواند به مباحث تطبیقی زبان‌شناسی در جامعه علمی ما رونق دهد و در انتقال از تک‌نگاری‌های

پراکنده به مباحث بنیادین و توسعه یافته یاری کند. در مقابل اوری روین با استفاده خلاقانه از واژگان متراوِف در زبان مقصود و نیز ساختارهای متفاوت، دانش ما را نسبت به قابلیت‌های زبان عبری در انتقال مفهوم توسعه می‌دهد؛ چنان‌که ذیل آیه ۸۸ دیدیم که او چگونه با استفاده از ساختاری مجھول ترجمه‌ای فاخر را ائه کرده بود.

اما مسئله سبک نگارش. تا حدودی روش نش که ریولین به سبک ادبی تورات عبری متمایل است و تا جایی که امکان دارد در ترجمۀ ترکیب‌های قرآنی از عبارات مشابه توراتی استفاده می‌کند. این رویکرد برای علاقه‌مندان به مباحث تطبیقی متون مقدس مفید و ارزشمند است. البته این ویژگی منحصر به ریولین نبود، بلکه در ترجمۀ روین نیز موارد متعددی را دیدیم که او نیز از ترکیب‌های مشابه استفاده کرده بود، اما در مجموع می‌توان گفت همان اندازه که ریولین به سبک ادبی توراتی تمایل دارد، روین زبان و سبک امروزی را پیش گرفته است. احتمالاً بخشی از این موضوع می‌تواند متأثر از فاصلۀ انتشار این دو ترجمه، حدود هفت دهه (ریولین ۱۹۳۶م، روین ۲۰۰۵م)، باشد.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

کتاب مقدس؛ ترجمۀ قدیم؛ لندن: انتشارات ایلام، (۲۰۰۲).

عهد عتیق؛ ترجمۀ پیروز سیار؛ تهران: هرمس، (۱۳۹۳ش).

ابن عرفه، محمد بن محمد؛ تفسیر ابن عرفه؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، (۲۰۰۸م).

زبیدی، محمد بن محمد؛ تاج الغوص من جواهر القاموس؛ بیروت: دارالفکر، (۱۴۱۴ق).

زمخشری، محمود؛ الكشاف عن حقائق غواصن التنزيل؛ تحقيق مصطفی حسین احمد؛ بیروت: دارالکتب العربي، (۱۴۰۷ق).

حمامی لاهزار، یونس (مترجم)؛ سیدوری‌شاریم: نیایش روزانه یهود؛ تهران: انجمن کلیمیان، (۱۳۸۲).

حییم، سلیمان؛ فرهنگ عبری فارسی؛ تهران: انجمن کلیمیان، (۱۳۶۰ش).

سیوطی، جلال الدین؛ الإنقاٰن فی علوم القرآن؛ بیروت: دارالکتب العربي، (۱۴۲۱ق).

عیوضی، حیدر؛ حبه‌های نقره‌فام: الهیات و مضامین کتاب مقدسی در شعر فارسی معاصر؛ قم: ادبیات، (۱۳۹۶ش).

فخر رازی، محمد؛ مفاتیح الغیب؛ بیروت: دار احیاء التراث العربي، (۱۴۲۰ق).

فولادوند، محمد‌مهدی؛ ترجمۀ قرآن؛ تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، (۱۴۱۸ق).

BDB: *The Brown – Driver – Briggs Hebrew and English Lexicon*, F. Brown, S. Driever and C. Briggs, USA: Hendrickson, (1996).

Gesenius, Friedrich Wilhelm, *Hebrew and Chaldee lexicon to the Old Testament Scriptures*, Baker Book House, (1979).

LVTL = *Lexicon in Veteris Testament Libros*, Koehler, Ludwig; Baumgartner, Walter, Leiden: Brill, (1958).

Paudice, Aleida, "On Three Extant Sources of the Qur'an Transcribed in Hebrew", *European Journal of Jewish Studies* 2/2, pp. 213 – 257, (2008).

Paudice, Aleida, "Hebrew Translations and Transcriptions of the Qur'an", *A History of Jewish-Muslim Relations From the Origins to the Present Day*, Edited by Abdelwahab Meddeb and Benjamin Stora, Princeton and Oxford: Princeton University Press, pp. 640-652, (2013).

Reckendorf, Herrmann, / אַלְקָרָן וְאַלְקָרָן Der Koran, Leipzig, (1857).

Rivlin, Joseph Joel, / Al-Qur'an, Tel Aviv, (1987).

Rubin, Uri, / הַقּוֹرָן / The Qur'an, Tel Aviv, (2005).

Shivtei, Avihai, "Review of *The Qur'an in Another Language, Translated to Hebrew*", *Journal of Semitic Studies* 63/1, April 2018, pp. 286–288.

Talmud: *Hebrew – English Edition of the Babylonian Talmud* (Mischna Berura, Yoma), London, the Soncino Press, (1984).

Tov, Emanuel, *Textual Criticism of the Hebrew Bible*, 2nd ed., USA: Augsburg Fortress Publishers, (2001).

Wright, William, *Lectures on the Comparative Grammar of the Semitic Languages*, Cambridge, (1890).